

زن از دیدگاه قرآن

عبدالسلام کریمی - سنندج

بیان و به پاسداشت آنها تأکید اکید نمود.

مقام و منزلت زن از دیدگاه قرآن

در عصری که اسلام ظهور کرد، تقریباً زنان تمام جوامع از جایگاه مناسبی برخوردار نبودند و حتی از ابتدایی ترین حقوق انسانی محروم بودند. با این حال، جامعه عرب جاهلی، محل ظهور اسلام، در میان جوامع آن دوره وضعیت خاصی داشت، چنانکه آن را "معروف ترین نقطه عالم از نظر بدرفتاری با زنان" دانسته اند.

در واقع بر اساس نظر برخی از نویسندگان، زنان پیش از اسلام حکم متاع و کالا را داشتند و جزو دارایی و ثروت پدر یا شوهر محسوب می شدند، و زن و دختر پس از مرگ شوهر و پدر مانند باقی ترکه، میان مردها و پسرها تقسیم می شدند. اما از نظر اسلام زن موجودی است زیبا، ظریف، مستقل، با تقدس مادری، خواهری، همسری و دختری.

دو فرد عظیم انسانی، در دو قطب مخالف پیغمبری و قیصری، هر دو به زن احترام گزارده اند اما به دو صورت؛ پیامبر اسلام با این سخن که فرمود: "از دنیای شما سه چیز دوست دارم، بوی خوش، زنان و نور چشمم نماز را"، و ناپلئون با زانو زدن در برابر او.

حال به سراغ قرآن می رویم تا ببینیم نظر حضرت حق در خصوص زن که گویند نظم و شعر خداوندی است (و مردنثر خدا) چیست؟

اینکه زن در قرآن از چه جایگاه عظیمی برخوردار است، مبتنی بر این است که انسان در قرآن چه پایگاه و جایگاهی دارد، چون قرآن کریم هرگز فقط برای هدایت "مرد" نیامده است، بلکه برای هدایت "انسان" آمده است. لذا وقتی هدف رسالت را تشریح می کند و غرض نزول وحی را بازگو می نماید، می فرماید: "شهر رمضان الذی أنزل فیہ القرآن هدی للناس" (۱) ماه رمضان همان ماهی است که در آن قرآن نازل شده است و هدایت است برای مردم.

کلمه "ناس" که در قرآن آمده است، صنف مخصوص یا گروه خاصی را در نظر ندارد بلکه شامل مرد و زن به طور یکسان می شود. قرآن، گاه تعبیر به "ناس" دارد و گاه تعبیر به "انسان" و می فرماید: ما برای انسان، قرآن فرستادیم. "الرَّحْمَن، عِلْمُ الْقُرْآن، خَلْقُ الْإِنْسَان،

نقش و جایگاه زن یا مرد در معادلات اجتماعی و وزن هر کدام در تغییر و تحول اجتماعی، یکی از چالش های دیرینه انسان متفکر در طول قرون و اعصار بوده است. در بستر زمان و تطور تاریخی تغییر نگرش ها و باورهای فردی - اجتماعی، این نقش دستخوش تحولات چشمگیری گردیده که گاه شکل ستیزه به خود گرفته و هر جنس علیه دیگر جبهه گیری کرده و با تمسک و سوء استفاده از تمامی ابزارهای انسانی و مادی (اندیشه و تکنولوژی) و حتی روحانی و دینی (آموزه ها و غلط های مصطلح، روایات جعلی) اقدام به اثبات برتری جنسیت خود نموده است. این انگاره های ذهنی و باورهای اجتماعی گاه چنان جامه استدلال و منطق بر قامت اندیشه و سنت پوشانده است که نام آوران عرصه تعقل و تدبیر را به غلط افکنده است و جمالتی از آنان در حافظه تاریخ ثبت گردیده که متفکران عصر جدید را نیز بعضاً با تردید جدی روبرو می سازد.

موضوع این تحقیق بررسی جایگاه زن از دیدگاه اسلام می باشد و مستند برای ما مطالب و نظرات قرآن مجید و سنت مسلم پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم بوده که شامل قول و فعل و تقریر آن حضرت است.

فایده این پژوهش بررسی دو چیز است: اول: شناخت مقام و منزلت زن در اسلام، و حقوق متقابل او، و اصول تشکیل خانواده و نگهداری آن، روش معاشرت و کسب لذت های معقول و حلال در زندگانی، و جلب آرامش و امتداد زندگی به وسیله فرزندان خوب، که همه اینها تضمین کننده واقعی سعادت دنیا و آخرتند.

دوم: رفع تهمت از اسلام و فرهنگ متعالی آن، که بیش از هر قانونی آسمانی و زمینی دیگر به زن احترام گزارده، مقام او را بالا برده و حقوق بیشتری را در همه ابعاد زندگی برایش مقرر داشته است.

امروزه که مظاهر تمدن جهان، خصوصاً پیشرفت علوم، اذهان و قلوب را مسخر ساخته است، افراد و گروه های مغرض، یا کم اطلاع و یا ساده لوح به تحریک سیاستمداران جهان خوار، می کوشند که دین اسلام را مخالف و مخرب زندگی و پیشرفت معرفی کنند. از آن جمله این تهمت ناروا که اسلام زن را از حقوقش محروم ساخته و احترامی برای زن قایل نیست؛ در حالی که این دین اسلام بود که برای اولین بار زن را به مقام ارجمندش رساند و حقوق حقه اش را

عَلِمَهُ الْبَيَانَ؟^(۳) خدای رحمان، قرآن را یاد داد، انسان را آفرید و به او [قدرت] بیان آموخت.

در این آیات اول سخن از تعلیم قرآن است، بعد سخن از خلقت انسان و بعد از آن تعلیم بیان؛ گرچه نظم طبیعی مقتضی بود که اول خلقت انسان ذکر شود، سپس تعلیم بیان و سپس تعلیم قرآن، اما به خاطر شرافت و اهمیت قرآن و اینکه انسانیت انسان در اطاعت از دستورات خداوند است، تعلیم قرآن مقدم شده است.

پس نتیجه می‌گیریم که خداوند رحمان معلم است، درس قرآن می‌گوید و شاگردانش انسان‌ها هستند؛ دیگر سخن از جنسیت خاصی نیست، هدف تعلیم و تزکیه روح و جان آدمی است. قرآن کریم مسئله زن و مرد را این‌گونه مطرح می‌کند که این دور از چهره مذکر و مؤنث بودن نشناسید بلکه از چهره انسانیت بشناسید. پس حقیقت انسان جان اوست و بدن ابزار او. در نتیجه ملاک و برتری از نظر قرآن انسانیت انسان است نه جنسیت او.

علت تصریح قرآن به آوردن لفظ مذکر و مؤنث

در مواردی که قرآن کریم با صراحت از زن و مرد نام می‌برد، علتش این است که می‌خواهد افکار جاهلی و قبل از اسلام را تخطئه و محکوم کند، چون آنها بین زن و مرد فرق گذاشته، به زن بها نداده و عبادات و فضایل را منحصر در مردها می‌دانستند. امروزه نیز در دنیای صنعتی زن بهایی ندارد جز برای ارضای شهوت مردان، تبلیغ کالاها و لوکس و رونق بازاریابی، که هر دو تحقیر مقام والای زن است. اما ذات اقدس الهی در قرآن کریم خود را عهده‌دار تربیت جان و روان انسان‌ها می‌داند نه یک جنس خاص. آیات قرآن را که در این زمینه است می‌توان به چند بخش تقسیم نمود:

بخش اول: آیاتی هستند که اختصاص به صنف مخصوصی ندارد، مانند آیاتی که در آن سخن از ناس یا انسان است، و با لفظ "من" ذکر شده است.

بخش دوم: آیاتی است که ظاهر آن سخن از مرد دارد و با ضمائر مذکر آمده است و یا آیاتی که از لفظ "مردم" استفاده شده است.

در اینجا باید گفت که این‌گونه کاربرد بر اساس فرهنگ محاوره است. مثلاً وقتی می‌خواهند سخن بگویند، می‌گویند مردم انتظار دارند، مردم حق رأی دارند و ... این "مردم" در مقابل زنان نیست، بلکه مردم یعنی "توده ناس". پس نباید از نحوه تعبیری که در فرهنگ محاوره و ادب رایج است، چنین برداشت کرد که قرآن فرهنگ

مذکرگرای دارد.

بخش سوم: آیاتی است که در آن به نام مرد و زن تصریح شده است، نظیر این آیه که می‌فرماید: "مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً"^(۴) هر کس چه مرد و چه زن کار شایسته‌ای انجام دهد و مؤمن باشد (در این دنیا) زندگی پاکیزه و خوشایندی به او می‌بخشیم.

پس هنگام انجام عمل صالح و عبادت، زن بودن و یا مرد بودن در ارزش عمل نقشی نداشته و به صراحت اعلام می‌کند که فرق و تفاوتی بین زن و مرد نیست تا شبهه تفاخر جاهلی را ریشه کن نماید.

قرآن خلقت همه را یکسان و از یک زن و مرد می‌داند، آنجا که می‌فرماید: "يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ"^(۵) یعنی نه خلقت مرد بالاتر از خلقت زن است و نه برعکس. پس به چه چیزی فخر می‌فروشید و تفاخر می‌کنید؟ تنها عامل فخر همانا تقوا است و آن هم با بی‌فخری و بی‌تفاخری همراه است.

نژاد و زبان عامل شناسایی و شناسنامه طبیعی چهره‌ها، قیافه‌ها، زبان‌ها و لهجه‌ها شناسنامه طبیعی انسان هستند و حکایت از گل‌های زیبا و رنگارنگ گلستان ذات باری دارد: "وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا"^(۶) شما را ملت‌ها و قبیله‌های مختلف قرار دادیم تا همدیگر را بشناسید. اگر کسی می‌خواهد بالا رود باید بدون تفاخر بالا رود: "إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ"^(۷) گرامی‌ترین شما نزد الله پرهیزگارترین شماست.

با بررسی آیات قرآن روشن می‌شود که اسلام زن را در جایگاه واقعی خود قرار داده است، به قسمی که نه او را بنده بی‌اراده و از هر حیث فرمان بردار شوهر می‌داند، و نه آزادی بی‌حد و حساب برای او قایل است. خداوند متعال در بیش از ۱۰ سوره در مورد زن بحث می‌کند و حتی دو سوره را به نام آنها نامگذاری کرده است: یکی "سورة النساء الکبری" که به سوره "نساء" مشهور است و دیگری "سورة النساء الصغری" که مشهور به سوره "طلاق" می‌باشد.

۱. در سوره نخست، رسماً اعلام کرده است که زن و مرد هر دو به طور مساوی منشأ از دیاد و کثرت نسل بوده و هر اجتماعی ساخته آن دو خواهد بود. از نظر خصایص انسانی و کسب فضایل با یکدیگر فرقی نداشته و برابرنند. مرد نباید زن را از کارهایی که در خور شأن اوست، جلوگیری کند، و همچنین زن نباید در اموری که خارج از قدرت و توان وی است طمع بورزد

نقش و جایگاه زن یا مرد در معادلات

اجتماعی و وزن هر کدام در تغییر و تحول اجتماعی، یکی از چالش‌های دیرینه انسان متفکر در طول قرون و اعصار بوده است.

غریزی نر و ماده است که در حیوانات موجود است، و در قرآن کریم از گرایش غریزی حیوان ها به عنوان آیه و نشان الهی یاد نشده و روی آن اصراری دیده نمی شود. مسئله شهوت جنسی بعد از انس انسانی حضرت آدم به حضرت حوا داده شده است و در مرتبه قبلی که سخن از مهر قلبی و مودت به میان آمده است، سخن از غریزه جنسی اصلاً مطرح نبوده است و از این رهگذر است که زن محبوب رسول اکرم صلی الله علیه و سلم واقع شده است.

در بررسی های قرآنی، این مطلب به دست آمده که اسلام به زن و مرد، از دو بعد مختلف می نگرد، که می توان از آنها به دو بعد "انسانی" و "بشری" تعبیر نمود. در بعد انسانی زن و مرد با یکدیگر مساوی و برابر هستند که شرح آن گذشت، و حتی در داستان آدم و حوا نیز برخلاف نظر عالمان مسیحی و یهودی که حوا (زن) را اغواگر و فریب دهنده آدم (مرد) می دانند، قرآن کریم تعبیر "وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ"؛^(۱۲) شما دو نفر به این درخت نزدیک نشوید. و "فَاَزَلَهُمَا الشَّيْطَانُ"؛^(۱۳) شیطان موجب لغزش آن دو شد. را دارد و با توییح مشترک "أَلَمْ أَنهَكُمَا عَنْ تِلْكَمَا الشَّجَرَةَ"؛^(۱۴) آیا مگر شما دو نفر را از آن درخت نهی نکردم. تساوی هر دو را در تخلف از امر الهی نشان می دهد، همین تکلیف و توییح مشترک نشانه ای از منزلت برابر و عقل و ادراک مساوی آن دو است؛ پس از آن در برابر پروردگار دست به دعا برداشته و هر دو خود را متخلف می دانند "رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا..."^(۱۵) پروردگارا ما بر خود ستم نمودیم

نتیجه اینکه خطاب قرآن در این آیات یا به هر دو نفر (آدم و حوا) می باشد و یا فقط متوجه آدم است نه حوا؛ و "عَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى"؛^(۱۶) آدم از فرمان پروردگارش سرپیچی کرد.

اما فارغ از این بعد انسانی، زن و مرد بعد دیگری نیز دارند و آن بعد بشری است. در این بعد میان آنان تفاوت هایی مشاهده می شود که در جایگاه اجتماعی و حقوقی آنان بی تأثیر نخواهد بود. این تفاوت ها را می توان به سه دسته کلی تقسیم نمود:

۱. تفاوت های طبیعی که در واقع تفاوت های زیستی و روانی هستند.

۲. تفاوت های اجتماعی که محصول جامعه انسانی و رفتارها و مناسبات میان آدمیان است.

۳. تفاوت در پاره ای از احکام دینی که ناشی از وحی الهی می باشد.

و از حد خود تجاوز نماید. هر کدام را حقی است و نصیبی. "لَرَجَالٍ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ"؛^(۱۷) برای مردان از آنچه بدست می آورند بهره و نصیبی است و نیز برای زنان از آنچه بدست می آورند بهره و نصیبی.

۲. در همین سوره زن را به تنهایی و بدون شرکت مردان در برابر اعمال و کردارش مستقلاً جزا و پاداش می دهد: "وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ، وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا"؛^(۱۸) هر کس از شما چه مرد و چه زن کارهای شایسته ای انجام دهد، در حالی که ایمان دارد، پس وارد بهشت شده و ذره ای در حقیقت ستم نمی شود.

پس زن در نظر قانون اسلام همچون مرد، انسانی است مکلف و مسئول.

۳. در سوره آل عمران، ارزش کار را محترم دانسته و صریحاً مژده داده است که کار هیچ کسی چه زن و چه مرد تباه و ضایع نخواهد شد و در ویژگی های انسانی همه با یکدیگر مساوی و برابرند: "أَنَّى لَأُضِيعَ عَمَلُ مَنْكُرٍ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ"؛^(۱۹)

۴. اسلام بر خلاف آنان که زن و همسر را کالا و یا وسیله رضای شهوت می دانند و به خاطر مال و ثروت زن تن به ازدواج می دهند، از پیوند زناشویی تحت عنوان "مِثَاقِ غَلِيظٍ" یاد کرده است. همانگونه که می دانید کلمه "مِثَاق" جز در مورد بسیار مهم و با ارزش به کار نمی رود، از قبیل: مِثَاق در مقام توحید و رسالت^(۲۰) و مِثَاق میان دولت ها در امور مهم و حیاتی.

خداوند زنان را مکمل و لباس مردان، و مردان نیز مکمل و لباس زنان معرفی می کند: "هِنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لِهِنَّ"؛^(۲۱) همسری را وسیله آرامش خاطر و موجب رحمت و مودت که عالی ترین مراتب دوستی و صفاست دانسته و می فرماید: "وَمِنْ آيَاتِهِ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً"؛^(۲۲) و از آیات و نشانه های خدا این است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان بیارامید و در میان شما و ایشان مهر و محبت ایجاد کرد.

از این آیه استفاده می شود که اولاً: تمام زن ها از لحاظ گوهر هستی و اصل مبدأ همتای مردان اند و خلقت هیچکدام جدای از دیگری نیست.

ثانیاً: منشأ گرایش مرد به زن و آرمیدن مرد در سایه انس به زن، همانا مودت و رحمتی است که خداوند بین آنها قرار داده است و این مودت و رحمت الهی غیر از گرایش

☑ دو فرد
عظیم انسانی،
در دو قطب
مخالف
پیغمبری و
قیصری، هر دو
به زن احترام
گزارده اند اما به
دو صورت؛
پیامبر اسلام با
این سخن که
فرمود: "از
دنایای شما سه
چیز دوست
دارم، بوی
خوش، زنان و
نور چشمم نماز
را،" و ناپلئون با
زنان و زن در
برابر او.

۲. حقوق مدنی و قانونی

درباره حقوق مدنی و قانونی زنان در اسلام، شاید ذکر تمام موارد در این مختصر امکان پذیر نباشد. تنها باید گفت که اسلام بهره مندی زنان را از این حقوق در حد مطلوبی پیش بینی نموده است. در اسلام زنان حق دارند همسر دل خواه خود را به اختیار انتخاب کنند و صحت عقد ازدواج به رضایت آنان منوط گردیده است. در زندگی مشترک زناشویی نیز به استناد آیه "و لهن مثل الذی علیهن بالمعروف" [بقره: ۲۲۸]، در کنار وظایفی که بر عهده دارند از حقوقی نیز بهره مند هستند، هر چند این حقوق متفاوت با حقوقی است که مردان دارا می باشند، و این تفاوت هائیز به دلیل وضعیت خاص هر کدام و وظایف و مسئولیت های متفاوتی است که در زندگی مشترک بر عهده دارند. به هر حال اسلام با تأکید بر نقش زنان در زندگی خانوادگی و پیش بینی برخی حقوق ویژه برای زنان همانند نفقه، مهریه، حق هم خوابگی، عدم الزام به انجام کارهای خانه و... بر نکته تأکید داشته است که زنان نیمی از بار زندگی مشترک را بر عهده دارند.

در بیرون از خانه نیز زنان از حقوق قانونی برابر با مردان برخوردار هستند و می توانند برای دفاع از حقوق خود، در محاکم حضور یابند، تقاضای اجرای حکم از قبیل: قصاص، تعزیر و... را بنمایند و در مراجع قضایی به طرح دعوی یا شکایت بپردازند، هر چند این عمل بر خلاف میل شوهر یا پدر آنان باشد و حتی دعوی آنان می تواند علیه شوهر یا پدر نیز باشد.

۳. حقوق اجتماعی

اسلام نه تنها از حضور زنان در اجتماع جلوگیری ننموده است بلکه با روش های خاصی سعی بر این داشته که زمینه های لازم برای حضور مناسب زنان را در جامعه فراهم نماید. تأکید فراوان اسلام بر لزوم آموزش مسلمانان اعم از زن و مرد، نشانه توجهی است که اسلام به دانستن و در پی آن نقش دانستن در زندگی دارد. در واقع در بسیاری از فعالیت های اجتماعی همانند امر به معروف و نهی از منکر، کار، آموزش، انجام واجبات دینی همانند حج و... تفاوتی میان زن و مرد نیست؛ هر چند که مشارکت زنان در بسیاری از این امور مستلزم این است که زنان از آگاهی های لازم برای حضور در این فعالیت ها برخوردار باشند. اسلام با توجه به اینکه

در حقیقت، ضرورت تقسیم کار، تقسیم مسئولیت و تنظیم کارکرد طبیعی زن و مرد و رعایت تخصص و وظایف غیر مشترک آنان، موجب چنین تفاوت هایی شده است. به هر حال آنچه مسلم است، اسلام در پاره ای از موارد حقوق یک نواختی را برای زن و مرد در نظر نگرفته است، و این امر برای پرهیز از تشابه حقوق زنان و مردان بوده است نه مخالفت با تساوی حقوق آنان.

حقوق زن در اسلام

۱. حقوق سیاسی

در زمینه حضور سیاسی زنان، اسلام فرصت های مختلفی را برای آنان فراهم نمود. زنان در بیعت با پیامبر، در هجرت، جنگ ها و حضور در اجتماعات، نقش مهمی بر عهده داشتند. بیعت زنان با پیامبر گرامی اسلام، مهم ترین نماد مشارکت سیاسی زنان در صدر اسلام به شمار می رود، که آیه سوره ممتحنه نیز به آن اشاره دارد. علاوه بر آن، در موارد متعددی پیامبر گرامی اسلام با اصحاب خود مشورت می نمود و برخی از مشاوران از زنان بودند، بویژه همسر گرامی ایشان حضرت خدیجه رضی الله عنها که پیامبر در مسائل مختلفی با وی مشورت می نمود، به گونه ای که ابن اسحاق از وی با نام "وزیر پیامبر" نام برده است. حضور و نقش زنان در جنگ های مختلف از دیگر جنبه های چشم گیر و مهم مشارکت سیاسی زنان است. آنان علاوه بر این که گاه به صورت مستقیم در جنگ شرکت می کردند، در تدارکات و پشتیبانی جبهه نیز نقش مهمی بر عهده داشتند. پرستاری و مداوای مجروحان، انتقال و حمل آب و غذا به جبهه، آشپزی، نگهداری و وسایل رزمندگان، تهیه دارو، رساندن مهمات به رزمندگان، تعمیر تجهیزات آسیب دیده و انتقال مجروحان و شهدا به پشت جبهه از کارهایی بود که زنان در جبهه های نبرد به عهده داشتند؛ به علاوه در پشت جبهه هم با تشویق مردان به جنگ و شرکت در جهاد و با کمک های غیر نقدی خود تأثیرات فراوانی در جنگ ها و پیروزی مسلمانان داشتند.

در مجموع آنچه از متون اسلامی و سیره عملی صدر اسلام استنباط می شود، این است که برای مشارکت سیاسی زنان، منع خاصی در اسلام وجود ندارد و زنان می توانند همانند مردان از حقوق سیاسی برخوردار شوند، تنها برخی از مناصب بالای حکومتی است که زنان به ظاهر از دست یافتن به آنها منع گردیده اند. با این حال در این باره هم اختلاف نظرهایی وجود دارد.

✓ زن در نظر
قانون اسلام
همچون مرد،
انسانی است
مکلف و مسئول.
کار هیچ کسی
چه زن و چه
مرد تباه و
ضایع نخواهد
شد و در
ویژگی های
انسانی همه با
یکدیگر مساوی
و برابرند.

آنان از خداوند بترسد، بهشت بر او واجب می‌گردد." در مجموع باید گفت که اسلام با وجود آنکه زنان را از حقوق زیادی بهره‌مند ساخته است، میان آنان با مردان تفاوت‌هایی قائل شده است؛ این گونه تفاوت‌ها و عدم اعطای حقوق یکنواخت، به منزله امتیاز و رجحان حقوقی مردان نیست، بلکه اسلام خواسته است از تشابه حقوق مردان و زنان اجتناب نماید، بدون آنکه به تساوی حقوق آنان خللی وارد آید.

درباره حقوق زنان در اسلام، باید به دو نکته مهم توجه داشت: نخست اینکه امروزه با تحولات گسترده‌ای که در جهان صورت گرفته توجه اندیشمندان و صاحب نظران اسلامی نیز به مباحث حقوق بشر و حقوق زنان و دیدگاه‌های اسلام در این باره، جلب شده است و نظرات جدیدی مطرح گردیده که قابل تأمل است.

نکته دوم این است که گاه به غلط، برخی از آداب و رسوم و سنت‌های اجتماعی درباره زنان به صورت تعالیم اسلام مطرح می‌گردند. طبیعی است که نباید این باورها را جزو دستورات اسلامی و آموزه‌های دینی در نظر گرفت.

زنان الگوی همه

اگر انسانی وارسته شد، نمونه و الگوی همه انسان‌ها است. اگر مرد است الگوی همه مردم است نه فقط مردان، و همچنین اگر زن باشد باز الگو و نمونه همه مردم است نه زنان. همان‌طور که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم و حضرت ابراهیم علیه السلام اسوه و الگوی همه انسانها می‌باشند. در قرآن از چهار زن به عنوان زن نمونه (دو نمونه خوب و دو نمونه بد) ذکر شده است. زن حضرت لوط و زن حضرت نوح علیهما السلام را الگو و نمونه مردم بد معرفی می‌کند و می‌فرماید: "ضرب الله مثلا للذین کفروا امرأة نوح وامرأة لوط؛ خداوند برای کسانی که کافر شدند زن نوح و زن لوط را مثل آورده است. و از زن فرعون و حضرت مریم به عنوان الگو و نمونه خوب برای همه مردم مؤمن یاد شده است: "و ضرب الله مثلا للذین آمنوا امرأة فرعون... و مریم ابنت عمران؛ و خداوند برای تمام کسانی که ایمان آورده‌اند همسر فرعون را مثل و نمونه آورده است... و نیز مریم دختر عمران را.

پس از دیدگاه قرآن زن خوب الگوی جامعه است و مرد در کنار او است که به معراج می‌رود.

خواستار حضور زنان در این گونه فعالیت‌های اجتماعی بوده است، نه تنها منعی برای زنان ایجاد نکرده که مشوق آنان نیز بوده است. در عصری که زنان تحقیر می‌شدند و توان شرکت در کارهای اجتماعی را در کنار مردان نداشتند، در اوج این تحقیرها اسلام بیان داشت: "مردان و زنان باایمان همیار یکدیگرند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند."

البته طبیعی است که برای رعایت پاره‌ای حریم‌های شرعی حضور زنان در جامعه باید با توجه به این حریم‌ها صورت پذیرد؛ اما این به معنی مخالفت اسلام با نفس حضور زنان نیست.

۴. حقوق اقتصادی

اسلام حقوق اقتصادی زنان را به رسمیت شناخته است و مهم‌ترین حقوق اقتصادی آنان در اسلام عبارت است از: حق مالکیت، حق کسب و کار، حق ارث، هر چند که مهر و نفقه را نیز می‌توان نوعی حق اقتصادی برای زنان دانست. در واقع اسلام به زنان از نظر اقتصادی به صورت افرادی مستقل می‌نگرد که می‌توانند با کار کردن کسب درآمد نمایند و از دست رنج خود بهره‌مند گردند و مالک آنچه به دست می‌آورند باشند.

۵. حقوق فرهنگی

توجه فراوان رسول الله صلی الله علیه و سلم به تعلیم و تربیت را از این جا می‌توان دانست که آن حضرت به اسرای بدر فرمود که هر کس از آنان بتواند به ده نفر از کودکان مدینه سواد بیاموزد، آزاد خواهد شد. به سبب عنایت آن بزرگوار بود که بعد از هجرت و استقرار دولت اسلامی امر کتابت و تعلیم رونق چشم‌گیری یافت و مسجد‌های مدینه مدارس تعلیم قرآن کریم و آداب و سنن اسلام و قرائت و کتابت گردید و مسلمینی که به کتابت و قرائت و تعالیم اسلامی آشنا بودند به آموزش مسلمانان بی‌سواد همت گماشتند.

شایان توجه آنکه آموزش کتاب و قرائت و آداب و سنن به طایفه مردان اختصاص نداشت، بلکه بانوان نیز در خانه‌های خویش آموزش می‌دیدند.

اسلام در بحث تعلیم و تربیت نه تنها تفاوتی میان مردان و زنان قائل نشده است، حتی به دلیل ناآگاهی بیش‌تر زنان، برای آموزش آنان اهتمام بیش‌تری کرده است. در حدیثی از پیامبر اکرم آمده است: "هر کسی سه دختر یا خواهر داشته باشد و آنان را تعلیم دهد و ادب بیاموزد و در حق

☑ اسلام در پاره‌ای از موارد حقوق یک‌نواختی را برای زن و مرد در نظر نگرفته است، و این امر برای پرهیز از تشابه حقوق زنان و مردان بوده است نه مخالفت با تساوی حقوق آنان.

لزوم مقایسه

برای آنکه بدانیم اسلام مقام زن را از کجابه کجا رسانده و چگونه او را از یوغ بردگی قرون و اعصار قبل از اسلام رها ساخته است، لازم است وضع رقت بار او را قبل از ظهور اسلام به اختصار بیان کنیم. مأخذ و مستند ما در این خصوص بیشتر کتاب قطور تاریخ تمدن ویل دورانت است.

در قبایل ابتدایی که نمونه های آن تا به امروز موجود است، زن را چون حیوانات به پلیدترین کارها وامی داشتند، از نفس کشیدن پهلوی زن احتراز می کردند، به بهای اندک ایشان را می فروختند، در روسیه تازیانه ای به داماد می دادند تا زن خود را بزند، همه جا در روی زمین ارزش زن خیلی کمتر از مرد بود. در مصر تا قبل از فتح اسلام، رسم چنان بود که هر سال برای زیاد شدن آب نیل، دختری را با زینت می آراستند و در رود نیل می انداختند تا در نیل غرق شود؛ با ورود اسلام به مصر، عمرو بن عاص فاتح مصر مردم را از این کار پلید و زشت بازداشت.^{۱۷}

در قانون حمورابی آمده که اگر مردی دختر کسی را می کشت، باید دختر خودش را به پدر مقتول تسلیم کند تا او را بکشد.

در یونان زن شرعی و قانونی مهجور بود. در عوض میکده ها و عشرت کده ها رونق داشت. زن های بدکاره مشهور بودند. گاهی شوهر زن خود را قرض می داد. افلاطون خدا را شکر می کرد که مرد آفریده شده نه زن. زن یونانی حق عقد قرارداد نداشت. نمی توانست بیش از مبلغ ناچیزی وام بستاند. اقامه دعوی در محکمه برای او ممکن نبود. زنان پس از مرگ شوهر از ارث او سهمی نمی بردند. در یونان عصر طلائی عقیده داشتند که نیروی توالد تنها از آن مرد است و زن جز حمل طفل و پرستاری او وظیفه ای ندارد و باید در خانه بماند. در اسپارت وقتی از پسر زایدن زن مایوس می شدند او را محکوم به مرگ می کردند.

زنان رومی به اندازه مردان هرزه گرد بودند. ازدواجی که در آن زن در اختیار تنها مرد خود بود از میان رفت. زنان شوهران خود را به همان آسانی طلاق می دادند که مردان زنان را. پدران حق داشتند فرزندان خود را بفروشند.

از جمله مثال های رومیان این بود: "زن را نمی توان انسان نامید."

در ایران وضع کمی بهتر بود؛ عزت و کرامت زن بیشتر

در پرده نشین بودن بود. در قوانین ساسانی زن دارای شخصیت حقوقی نبود (از اشخاص نبود از اشیا بود). در هند ازدواج غالباً پیش از بلوغ صورت می گرفت، می گفتند مقدرات ازدواج را نباید به دست تصادف و شتاب زدگی تب جنسی سپرد. گاندی می گفت من از ازدواج در دوره طفولیت نفرت دارم.

قانون مائو مقدر می دارد: زن باید در طول زندگی زیر قیمومیت مرد باشد، اول پدر بعد شوهر و بعد پسر. باید مرد را ارباب و خدا خطاب کند، همدوش او راه نرود، کارها را انجام دهد و پس مانده غذای شوهر و پسر را بخورد. زن از کسب دانش محروم بود. در قانون مائو زن حق مالکیت نداشت، و همه میراث برای پسر بود.

در آیین برهمنی و هندو که جامعه به چهار کاست (طبقه) تقسیم می شود، و آنان که به حساب نمی آیند "باریا" نامیده می شوند. زنان در بسیاری از تکالیف مانند باریاها هستند.

پان هویان ادیب مشهور می گوید: در میان انواع انسان، فروترین جایگاه از آن ماست، ما بخش ضعیف بشریت هستیم، پست ترین کارها به عهده ماست و باید باشد. چینی ها زن را مصدر ناپاکی و مصیبت می دانستند، در چین غالباً دختران نوزاد را کشته یا به صحرا می افکندند، خویشان برای تولد دختر تسلیم می گفتند.

توماس اکویناس قدیس بزرگ گفته، زن مردی ناقص است.

تا سال ۱۹۰۰ میلادی زن بندرت دارای حقی بود که مرد ناگزیر به ادای آن باشد. در انگلستان هانری مقدس زنان را از خواندن کتاب مقدس ممنوع ساخت و طبق قانون ۱۸۵۰ زنان مالک چیزی حتی لباس تن خود نبودند.

تا چندی قبل در انگلستان تمامی ماترک به پسر ارشد می رسید. چند سال قبل برنارد شاو نویسنده نامی و محبوب انگلستان در مراسم تدفین همسر خود به طنز گفته بود: خدا بیامزدش چون فقط بیست و چهار ساعت او را دوست داشته ام.

به طور کلی در هر جامعه ای که توحید و صفات انسانی فرد را موظف به رعایت زن نکرده بود، زن اسیر بود و احترام و کرامتی در جامعه نداشت.

نظرات بزرگان درباره زن خوب

زن خوب فرمانبردار پارسا/ کند مرد درویش را پادشا
(سعدی)

زن مگویش که در کشاکش مرد/ یک سر موی او به از

✓ اسلام نه تنها از حضور زنان در اجتماع جلوگیری ننموده است بلکه با روش های خاصی سعی بر این داشته که زمینه های لازم برای حضور مناسب زنان را در جامعه فراهم نماید.

☑ سلام به
زنان از نظر
اقتصادی به
صورت افرادی
مستقل
می نگرد که
می توانند با کار
کردن کسب
درآمد نمایند و
از دست رنج
خود بهره مند
گردند و مالک
آنچه به دست
می آورند باشند.

نتیجه گیری

از مباحث ذکر شده در این مقاله می توان به طور خلاصه نتیجه گرفت که:

۱. قبل از ظهور اسلام زن در میان تمام جوامع بشری و شریعت های موجود، مظلوم واقع شده و ارزش و مکانت شایسته ای نداشته است.

۲. تنها مکتبی که به زن ارزش و ارج نهاد و مقام و منزلت واقعی به او بخشید، اسلام است. و زن فقط در سایه دولت قرآن است که می تواند به تمام حقوق حقه خود برسد.

۳. از آخرین وصایای حضرت رسول صلی الله علیه و سلم به امتش نیکی به زن و پایبندی به نماز است. تجلی خدمت در زمین در خوب بودن با زن است و تجلی طاعت و عبادت در نماز. قرار و سکون مرد در زمین با زن است و در آسمان با نماز.

۴. قرآن برای هدایت انسان آمده و هیچ فرقی در این زمینه میان زن و مرد نیست. خداوند به ظاهر و بدن بندگان توجه نمی کند که کدام مرد است و کدام زن، هر کس کار شایسته و نیکی انجام دهد در نظرش مقرب است و دارای ارج و مکانتی بیشتر.

۵. ملاک فضیلت و برتری، انسانیت است و تقوا نه جنسیت.

۶. تمام انسان ها از یک زن و مرد آفریده شده اند و جهت تشکیل جامعه، هم زن سهیم است و هم مرد، و روال طبیعی چنان است که بدون دیگری بشری بوجود نمی آید. پس جای هیچگونه تفاخر و برتری وجود ندارد.

۷. زن از آیات و نشانه های خداوندی است که مرد در کنار او به آرامش خاطر می رسد و پس از آن است که با ذکر خدا می توان به اطمینان قلبی رسید.



پی نوشت:

- | | |
|-----------------------|----------------|
| ۱. بقره، ۱۸۵. | ۲. رحمن، ۱-۴. |
| ۳. نحل، ۹۷. | ۴. حجرات، ۱۳. |
| ۵. نساء، ۳۲. | ۶. نساء، ۱۲۴. |
| ۷. آل عمران، ۱۹۵. | ۸. نساء، ۲۱. |
| ۹. حجرات، ۷. | ۱۰. بقره، ۱۸۷. |
| ۱۱. روم، ۲۱. | ۱۲. اعراف، ۱۹. |
| ۱۳. بقره، ۳۶. | ۱۴. اعراف، ۲۲. |
| ۱۵. اعراف، ۳۲. | ۱۶. طه، ۱۲۱. |
| ۱۷. صبح الاعشى، ۲۹۷۳. | |

صد مرد
بیای مرد اگر با ما رفیقی / بیاموز از زنی عشق حقیقی
(عطار)

آن که عالم مست گفتارش بدی / کلمینی یا حمیراء"
می زدی
(مولوی)

مادر فرزند را پس حق هاست / او نه در خورد جور و
جفاست
(مولوی)

رحمت مادر اگر چه از خداست / خدمت او هم
فریضه ست و سزا است
(مولوی)

زنان را همین بس بود یک هنر / نشینند و زاینند شیران نر
(فردوسی)

زن بود شعر خدا، مرد بود نثر خدا / مرد نثری سره و زن
غزلی تر باشد
(ملک الشعراء بهار)

زن، لباس مرد و پوشاننده اسرار او است. (قرآن کریم)

درباره زنان از خدا بترسید، زیرا آنان یار و پشتیبان
شمایند. (رسول اکرم صلی الله علیه و سلم)

زن را گرامی نمی شمارند مگر جوانمردان، و خواری
نمی دارند مگر فرومایگان.

(رسول اکرم صلی الله علیه و سلم)

کامل ترین مرد مؤمن، کسی است که اخلاق او نیک
باشد و با خانواده خود مهربان باشد.

(رسول اکرم صلی الله علیه و سلم)

پس از ایمان هیچ نعمتی بزرگتر از زن شایسته نیست.
(عمر بن الخطاب)

زینت و آرایش به نیکویی کردار است، نه به زیبایی
لباس. (علی رضی الله عنه)

دختران نیکی ها می باشند و پسران نعمت ها، نیکی ها
موجب ثواب و نعمت ها مورد حساب می باشد.

(حضرت جعفر صادق رضی الله عنه)

خدایا! به کسی که زن خوب دادی پس چه ندادی، و به
کسی که زن خوب ندادی پس چه دادی. (ابوعلی سینا)

زن نیک سیرت عفت را نگه می دارد چنانچه زور آوران
دولت را.
(تورات)

زن با دستی گهواره و با دستی دنیا را تکان می دهد.
(ناپلئون)

من به هیچ زنی بر نخورده ام که چیزی از بزرگی در او
نباشد.
(موریس مترلینگ)

مرد چون کاه است و زن کهریا.
چیزی که از زن قلب مرا تسخیر می کند مهربانی او است
نه زیبایی او.
(شکسپیر)